

## نیست درین غمکده ها ، ناله من بی اثری

در این اواخر، اثر جدید شعری بنام " فریاد مهاجر " بدستم رسید که واقعاً مالا مال از فریاد یک مهاجر غربت نشین بنام دکتر اسدالله حیدری است . این اثر، چنانکه بملاحظه میرسد، سروده های نعتیه و مناجات، غزلیات ، دوبیتی ها و ناله های پُر سوز و ساز میهنی را در خود جا داده و در دوصد و چهل و هشت صفحه ، با قطع معیاری ، صحافت موزون و پشتی مناسبت به شماره گان یا تیراژ پنجمد جلد در شهر مشهد ایران اقبال چاپ یافته است .

مرور کننده ی اثر مذکور نه تنها از صفحه ی بیست و یک تا بیست و سه ، به مقدمه گویی شاعر برمیکورد، بلکه سه تقریظ از سه هم میهن گرامی ( استاد یوسف کهزاد، مولوی عبدالحمید حدید وردک و محمد آصف نهان ) را نیز مطالعه مینماید.

جناب دکتر حیدری، ضمن نگارش مقدمه بر اثر شعری خویش، چنین میفرماید : " گرچه بنده از لحاظ مسلکی با ادبیات و شعر و شاعری فاصله زیادی داشته و تمام تحصیلاتم پس از صنف نهم لیسه عالی نجات تا گرفتن درجه دکترا، همه در رشته انجیری ساختمانی بوده است، ولی از لطف الهی بعد از سن شصت و دو سالگی با درک غربت و دوری از میهن آبایی و دوست داشتنی خود، شروع به سرودن اشعاری مشتمل بر مناجاتیه ها، مراثی مذهبی ، شعر های میهنی ، قصاید، غزلیها، قطعات، رباعیات و فردیات کردم."

استاد یوسف کهزاد در بخشی از تقریظ خویش چنین میفرماید : " فریاد مهاجر مجموعه ای از اشعار محترم دکتر حیدری است که لبریز از درد های بی وطنی و سوزشهای غربت نشینی است که سالها در زمین احساسات وطن پرستانه او ، علفای هرزه آوارگی سر بلند کرده و فضای زندگی را برای گلهای آرامش و کرامت های انسانی، تنگ تر ساخته است . "

مولوی عبدالحمید حدید وردک ، ضمن نگارش تقریظ بر اثر جناب حیدری چنین میگوید : " هر یک از مباحث این اثر، ترجمان و نشان دهنده یک نوع احساس عمیق و درونی شاعر است که حقا همان احساس پاک ، او را با مقام ملکوتی پیوند میدهد و آن همه مناجات و اعتذار از تقصیر را در فروغ توسل به نظر لطف بزرگان دین و خاندان نبوت به مقام والای مرجع حقیقی تمنیات ناله سر کرده اند. " محترم محمد آصف نهان، در گوشه یی از تقریظ خویش چنین مینگارد : " فریاد مهاجر

که بعد از " برگ سبز"، دومین مجموعه شعری برادر بزرگوار و ارجمند داکتر اسدالله حیدری میباشد، در هر بخش خود حاوی نکات و مطالب زیاد عرفانی بوده و در حقیقت گنجینه شعر و ادب دری میباشد که مطالعه آن عطش هنرمندان و ادب دوستان را تسکین میخشد . . ."

اینک ، یکی از سروده های جناب ( حیدری ) را در اینجا درج میکنیم :

ز درد دوریت نالانم ای خاک	پریشان حال و سرگردانم ای خاک
گذشت عمرم به یاد کو هسارت	جگر خون، بی سر و سامانم ای خاک
ز سودای پری رویان کویت	همه محزون و در افغانم ای خاک
چو از دامن پاک ات دور گشتم	اسیر درد بی درمانم ای خاک
بیاد یوسف گم گشته ی خویش	چو یعقوب روز و شب گریانم ای خاک
بمیرم گر در این ملک غریبی	مکن خاکم تو در هجرانم ای خاک
چرا پیشت نمی خواهی عزیزم ؟	خلاصم کن از این زندانم ای خاک
جواب حیدری ی بسمل خویش	بده مثبت ، نماشادانم ای خاک .

این نکته را نیز باید علاوه نمود که هجوم مصایب اجتماعی و سیاسی و فرو افتادن بهمن بیچاره گیها روی شانه های انسان های سرزمین مان، عده ی زیادی از هموطنان را ناله گر و ناله سرا ساخت که جناب دکتر حیدری یکی از آنها ناله سرایان غربت نشین ماست. به اعتقاد من ، کسانی که به میهنش بیشتر و عمیقتر از دیگران عشق میورزد، اگر به سرایش شعر رو می آورد، بیشتر فریادگر و ناله سرا میشود تا صورتگر و رعایت کننده ی " صور خیال" و پناه بردن به " ایما" ها و هجا های تراشیده و تفتنی و . . .

آنچه بیشتر از همه ، ارزش کار جناب دکتر حیدری را بالا میبرد، اینست که چون می بیند متأسفانه نمیتواند از رهگذر دانش و بینش تحصیلی و تخصصی، آنها را هزاران فرسخ دور از وطن، به خدمت مادر وطن باشد، برای آنکه از یکطرف عاطل و بی تفاوت نماند باشد و از سوی دیگر، آرمانها و آرزوها، محبتها و ارادتها و نیز تپیدنه های جاننش در قبال مادر وطن را به شکلی از اشکال متباز گرداند، از خورد و خوابش میکاهد و قلم در جهت سرایش ناله های سوزناک و پیام دهنده ی شور درونی خویش میراند. همین نالیدنها ، قدم به قدم در اندرون کلمه ها میجوشند و از جوشش آنها صدا و فریاد بر میخزد و طنین آن بالاخره بگوشها میرسد.

برای جناب داکتر اسدالله حیدری ، این پرنده ی بی لانه ی میهندوست توفیق بیشتر در سرایش اشعار بهتر و بیشتر می طلبم .